

تأثیر محدودیت زمانی بر تضعیف حقوق اشخاص در رسیدگی به دعاوی مدنی و اداری: تحلیل تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه

فاطمه بازوکار^۱، امیرنظام براتی^۲

چکیده

محدودیت زمانی و اثر آن بر تضعیف حقوق اشخاص در دعاوی اداری تفاوت‌های بنیادینی با حقوق خصوصی و کیفری دارد. در ایران، عدم قانون صریح برای مرور زمان در دعاوی اداری و تعمیم تفاسیر حقوق خصوصی و کیفری، با اصل ۳۴ قانون اساسی (حق دادخواهی) تعارض ایجاد می‌کند. این جستار با روشی تطبیقی-تحلیلی با مطالعه قوانین، رویه قضایی و دکترین حقوقی ایران و فرانسه، این پرسش بنیادین را مطرح می‌نماید که چگونه مرور زمان در دعاوی اداری می‌تواند ثبات حقوقی و حقوق بنیادین اشخاص را متوازن کند؟ شایان ذکر است که پیچیدگی‌های رویه‌ای و عدم آگاهی شهروندان از مهلت‌های قانونی، دسترسی به دادرسی منصفانه را دشوار کرده است. در فرانسه، نظام دادرسی اداری با ساختار سلسله‌مراتبی (دادگاه‌های اداری و شورای دولتی) و مهلت‌های محدود (دو ماه برای اعتراض) به دنبال تعادل میان ثبات حقوقی و حمایت از حقوق فردی است. پذیرش عذر موجه در فرانسه این محدودیت‌ها را تعدیل می‌کند. تفاوت اصلی دعاوی مدنی و اداری در اهداف آن‌هاست؛ اولی بر ثبات روابط خصوصی و دومی بر حفاظت از حقوق اشخاص در برابر قدرت عمومی متمرکز دارد. در ایران، فقدان رویه قضایی منسجم و پیچیدگی‌های شکلی، حق دادخواهی را تضعیف می‌کند. قانون‌گذاری صریح، آموزش عمومی درباره مهلت‌های قانونی، پذیرش عذر موجه و تقویت نظارت قضایی در دیوان عدالت اداری، با الهام از فرانسه، می‌تواند عدالت و دسترسی به دادرسی را بهبود بخشد و تعادل میان کارآمدی نظام اداری و حقوق شهروندان را تضمین کند. نظام عدالت اداری فرانسه نیز، با برخورداری از دادگاه‌های تخصصی، رویه‌های شفاف، و نهادهای فوق‌العاده‌ای مانند رفره‌لیبرته، تلاش دارد که تعادل میان اقتدار عمومی و حقوق فردی را حفظ کند.

واژگان کلیدی: دعاوی اداری، دعاوی مدنی، محدودیت زمانی، فعلیت تضعیف، حقوق اشخاص

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم و سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Bazokar.f@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده کمیسر دریایی، دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، مازندران، ایران، nezambarati@gmail.com

مقدمه

محدودیت‌های زمانی در دعاوی مدنی و اداری نقشی اساسی در ایجاد توازن میان نیاز به قطعیت حقوقی، نهایی بودن و کارآمدی از یک سو و حق افراد برای دستیابی به رسیدگی قضایی ماهوی نسبت به اعمال اداری از سوی دیگر ایفا می‌کنند. در هر دو کشور ایران و فرانسه، این قیود زمانی از مؤلفه‌های بنیادین آیین دادرسی به شمار می‌آیند که دسترسی به عدالت و تضمین اجرای حقوق را شکل می‌دهند. با این حال، تأثیر این محدودیت‌ها در دو نظام به طور چشمگیری متفاوت است. در ایران، مهلت‌های قانونی به شدت با دامنه محدود دعاوی اداری (عمدتاً دعاوی ابطال و تعداد اندکی دعاوی جبران خسارت (گره خورده‌اند؛ در حالی که در فرانسه، نظام دوگانه دادگاه‌های اداری و عمومی امکان نظارت قضایی ماهوی گسترده‌تری را فراهم می‌آورد، هرچند که ضرب الاجل‌های سخت‌گیرانه در ثبت دادخواست‌ها می‌توانند در صورت عدم رعایت، دسترسی به جبران حق تضییع شده را به خطر اندازند. این جستار به طور انتقادی چارچوب‌های حقوقی حاکم بر محدودیت‌های زمانی در هر دو حوزه قضایی را بررسی می‌کند و تحلیل می‌نماید که این مهلت‌ها چگونه می‌توانند از حقوق افراد در دعاوی اداری حمایت کنند یا برعکس، به تضعیف آن‌ها بینجامند.

این نهاد حقوقی بازتاب‌دهنده‌ی یک سیاست عمومی است که با رسیدگی به دعاوی کهنه و دیر هنگام مخالفت دارد، چرا که گذر زمان موجب تضعیف شواهد، افزایش ابهام و دشواری در حل و فصل منصفانه اختلافات می‌شود. مرور زمان نه تنها حافظ منافع خواننده، بلکه ضامن برگزاری دادرسی عادلانه و پایان بخشی به اختلافات قضایی در راستای منافع عمومی جامعه نیز هست. با این حال، تحقق امنیت حقوقی مستلزم تفسیر یکپارچه و منسجم این قوانین است، چرا که تفسیرها و آرای متناقض می‌تواند منجر به سردرگمی و تزلزل اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی گردد. در بیشتر موارد، دوره‌های مرور زمان در قالب قوانین عمومی مانند قوانین مرور زمان تعیین می‌شوند، اما در برخی حوزه‌های خاص نظیر حمایت از مصرف‌کننده، ممکن است قوانین ویژه‌ای با مهلت‌های متفاوت اعمال شود. پژوهش پیش رو به بررسی خلا پژوهشی در موضوع تسری مفهوم مرور زمان از حقوق خصوصی به دعاوی اداری در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با حقوق فرانسه می‌پردازد. پرسش بنیادین این است که آیا تفسیر شورای نگهبان از مرور زمان در دعاوی خصوصی، قابلیت اعمال در دعاوی اداری را دارد یا خیر. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که دعاوی اداری معمولاً محل تقابل حقوق شهروندی و اختیارات گسترده قدرت

حاکم هستند، فرضیه اصلی در این جستار به این مهم اشاره دارد که قیود زمانی هم به عنوان ابزاری برای تضمین قطعیت و نهایی بودن احکام حقوقی به کار می‌روند و هم به عنوان مکانیزم‌هایی که ممکن است دسترسی افراد به مراجع قضایی را محدود سازند. با این توصیف که در ایران، دعاوی اداری به طور سنتی بر محور دعاوی ابطال محدود متمرکز است و با مهلت‌های زمانی سخت‌گیرانه و صلاحیت‌های متداخل مشخص می‌شود؛ عواملی که معمولاً توانایی افراد برای به چالش کشیدن تصمیمات اداری پس از انقضای مهلت‌ها را محدود می‌کنند. در مقابل، نظام فرانسه شکل گسترده‌تری از نظارت قضایی را نشان می‌دهد که نه تنها شامل دعاوی ابطال می‌شود، بلکه دعاوی جامع الاطراف، از جمله جبران خسارت، اختلافات قراردادی و سایر دعاوی اداری را نیز در بر می‌گیرد؛ آن هم در چارچوب‌های زمانی دقیق اما نسبتاً انعطاف‌پذیرتر به کار بسته خواهد شد.^۱ این جستار تطبیقی با استناد به جنبه‌های عدالت اداری، استقلال قضایی، انصاف دادرسی، و تأثیر محدودیت‌های زمانی بر حمایت از حقوق فردی، به تبیین نقاط قوت و کاستی‌های ذاتی هر یک از این نظام‌ها می‌پردازد.

۱. چارچوب‌های حقوقی و نهادی مرور زمان

مرور زمان، به عنوان یک تأسیس حقوقی نوین، مفهومی است که به منظور مدیریت دعاوی قضایی و کاهش بار دادگاه‌ها یا به دلیل عدم امکان اثبات حقوق پس از گذشت مدت زمان مشخصی به کار می‌رود. طبق تعریف، مرور زمان به معنای پایان یافتن یک حق یا توافق حقوقی به دلیل انقضای مدت زمان تعیین شده است.^۲ این مفهوم بیان می‌کند که حق مورد نظر لزوماً از بین نمی‌رود، بلکه امکان مطالبه آن در مراجع قضایی منتفی می‌شود. از منظر قانون آیین دادرسی مدنی ایران سال ۱۳۱۸ (ماده ۷۳۱)، مرور زمان به معنای «گذشتن مدتی است که پس از انقضای آن، دعوی شنیده نمی‌شود». همچنین، به نظر برخی حقوقدانان مانند شمس (۱۳۸۱)، مرور زمان «مدتی است که پس از سپری شدن آن، دعوا به شرط ایراد خواننده در اولین جلسه دادرسی شنیده نمی‌شود».^۳

1. Winter, P., & Dietrich, F., *Combating Illicit Trade in Cultural Objects in the Staatliche Museen zu Berlin* (State Museums in Berlin): Policies in Acquisitions and Loans and Research of Provenance. *Santander Art and Culture Law Review*, 2023: p78-79.

2. *Cambridge Dictionary*, 2023: p 17.

۳. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دراک. ۱۳۸۱، ص ۱۳۲

با این‌که مقررات عمومی مرور زمان چارچوب‌های کلی برای اقامه دعا تعیین می‌کنند، دعاوی تخصصی اغلب دارای دوره‌های مرور زمان بسیار کوتاه‌تری هستند. برای نمونه، در برخی نظام‌های حقوقی، دعاوی مربوط به جبران خسارت ناشی از درمان پزشکی یا خدمات حقوقی تنها تا دو سال پس از وقوع قابل پیگیری‌اند. دعاوی تجاری و ساخت‌وساز معمولاً با دوره‌ی مرور زمان پنج‌ساله مواجه‌اند، در حالی‌که برای دعاوی حمایت از مصرف‌کننده، این مدت چهار سال است مگر آن‌که توافقی خلاف آن صورت گیرد. در برخی حوزه‌های قضایی، اقدامات گروهی برای مطالبه خسارت باید ظرف دو سال از زمان وقوع فعل یا ترک فعل زبان بار مطرح شوند. نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف نیز در مواجهه با مرور زمان، فلسفه‌های متفاوتی دارند. قانون مدنی آلمان یکی از آزادترین رویکردها را در تنظیم قراردادی دوره‌های مرور زمان دارد و امکان کاهش یا افزایش این دوره‌ها را فراهم می‌کند. در مقابل، حقوق لهستانی سخت‌گیرانه‌ترین دیدگاه را اتخاذ کرده و هرگونه تغییر قراردادی در دوره‌های مرور زمان را ممنوع می‌داند. قانون اوکراین موضعی میانه دارد و صرفاً افزایش دوره مرور زمان را مجاز می‌شمارد.¹ دیگر اصول بنیادی در این نظام می‌توان به دکترین² سوءاستفاده از قدرت اشاره کرد. این دکترین در مواردی به کار می‌رود که مقام اداری از اختیارات خود برای اهدافی غیر از آنچه قانون برای آن‌ها در نظر گرفته استفاده کند، حتی اگر از منظر ظاهری، مقررات قانونی رعایت شده باشند. برخلاف نظام‌های کامن‌لا که معمولاً بر مبنای نص قانونی عمل می‌کنند، این دکترین در فرانسه صرفاً از طریق رویه قضایی توسعه یافته و فاقد مبنای متنی مشخص است. رویکرد حقوق اداری فرانسه به مسئولیت دولت نیز تفاوت‌های اساسی با سنت‌های حقوقی آنگلوساکسون دارد. در مواردی که فردی از اقدامات دولت یا مأموران آن متضرر شود، این خود دولت است که مسئول جبران خسارت شناخته می‌شود. شورای دولتی فرانسه اصولی را توسعه داده که بر اساس آن‌ها افراد می‌توانند برای خسارات ناشی از خطای مأموران دولت درخواست غرامت کنند؛ بدین ترتیب از حقوق شهروندان حمایت شده و در عین حال دامنه‌ی اختیارات اداری نیز محدود می‌گردد. این ویژگی‌های منحصر به فرد حقوق اداری فرانسه فراتر از مرزهای ملی نیز گسترش یافته‌اند و

1. Knapp, M., & Costa Cunha, D., **Antitrust Fines and Limitation Periods After the Implementation of Directive (EU) 2019/1** Throughout Member States: Focus on French and Polish Perspectives. IIC - International Review of Intellectual Property and Competition Law, 54,2023: p 906.

2. détournement de pouvoir

به‌ویژه بر تدوین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ تأثیر گذاشته‌اند. ماده ۱۸ این کنوانسیون، که به محدودیت‌های اعمال شده بر حقوق بنیادین می‌پردازد، مستقیماً متأثر از تفکر حقوقی فرانسه است و به‌عنوان سازشی میان رویکردهای فرانسه و بریتانیا در فرآیند تدوین کنوانسیون شکل گرفت. این ماده، که به‌عنوان «بند ضد سوءاستفاده»^۲ شناخته می‌شود، بازتابی از مفهوم جلوگیری از انحراف در اعمال قدرت دولتی در حقوق اداری فرانسه است.^۳

مبانی نظری مرور زمان، ریشه در ملاحظات عملی و فلسفی درباره عدالت دارند. در نهاد خود، دوره‌های مرور زمان با هدف ایجاد قطعیت و ثبات در روابط حقوقی طراحی شده‌اند. همان‌طور که دیوان قانون اساسی فدراسیون روسیه تأکید کرده، این محدودیت‌های زمانی به «نظم‌بخشی گردش مدنی، ایجاد قطعیت و پایداری در روابط حقوقی، انضباط مشارکت‌کنندگان، تشویق به رعایت قراردادهای تجاری و تضمین حمایت به‌موقع از حقوق و منافع اشخاص در روابط حقوقی مدنی» کمک می‌کنند.^۴ یکی از اصول بنیادی مرور زمان، حفظ نظم اجتماعی از طریق حذف روابط حقوقی مبهم و نامطمئن است. حقوقدان روس قرن نوزدهم، گ. ف. شرشنیویچ، بر این باور بود که «علت واقعی تقادم، نیاز جامعه به نظم مستحکم است و هرگونه ابهام در روابط که حقوق مکتسبه را متزلزل کند، با اعتراض عمومی مواجه می‌شود.»^۵ این دیدگاه بر منافع جمعی جامعه در دستیابی به خاتمه‌ی قاطع اختلافات، فراتر از منافع فردی اصحاب دعوی، تأکید دارد. منطق دیگری که پشت مرور زمان قرار دارد، ارزیابی اخلاقی از میزان دقت و پیگیری صاحب حق است. در نظام حقوقی نیجریه، گفته می‌شود: «فلسفه وجود مرور زمان آن است که عدالت یاری‌گر افراد هوشیار است، نه سهل‌انگاران.» بدین معنا، افرادی که در پیگیری حقوق خود اهمال می‌ورزند، شایسته از دست

1. ECHR

2. clause anti-détournement

3. Tsampi, A., **The new doctrine on misuse of power under Article 18 ECHR: Is it about the system of contre-pouvoirs within the State after all?** Netherlands Quarterly of Human Rights, 38, 2020:p 147.

4. Dada, F.O., & Alemika, E.I., **Meeting the Need for a Technologically Driven Justice Delivery System: The Elixir of Rights and Judicial Expediency**, Beijing Law Review, 2020: p87.

5. Lazarev, S.V., **Procedural and legal issues of the application of the limitation period**, SHS Web of Conferences, 2022:p7.

دادن آن حقوق‌اند. از منظر این دیدگاه، فردی که مدعی ظلم یا مطالبه‌ی حقی است، باید در مهلت مقرر قانونی اقدام به اقامه دعوی کند و عدم اقدام به موقع، منجر به زوال حق وی می‌شود. این دیدگاه با نظر د. ای. مایر هماهنگ است که مرور زمان را به مثابه «تنبیه اخلاقی عادلانه‌ای» برای کسانی می‌داند که از اعمال حقوق خود غفلت کرده‌اند.^۱

۲. دعوای اداری

دعای اداری یکی از موضوعات بسیار مهم حقوق اداری است. هدف از دسته‌بندی این دعوی، بررسی روش‌های رسیدگی به انواع ادعاها نزد دادگاه‌های اداری است. یکی از دسته‌بندی‌های حائز اهمیت، تقسیم دعوی اداری به دعوی ابطال، کامل، تفسیر و مجازات است که «ادوارد لافریر» در اواخر قرن نوزدهم ارائه کرده است و علی‌رغم انتقادهایی که به آن شده، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است.^۲ دعوی اداری یکی از ابزارهای کلیدی در تضمین عدالت اداری و تنظیم روابط میان شهروندان و نهادهای عمومی است.^۳ دعوی اداری یکی از موضوعات بسیار مهم حقوق اداری است. هدف از دسته‌بندی این دعوی، بررسی روش‌های رسیدگی به انواع ادعاها نزد دادگاه‌های اداری است.^۴ نظام اداری ایران در بستر اصلاحات حقوقی در حال تحول شکل‌گرفت و عمدتاً با تمرکز بر ابطال تصمیمات اداری در چارچوب آیین دادرسی محدود مشخص می‌شود. دیوان عدالت اداری، که بر اساس قوانینی همچون قانون دیوان عدالت اداری و اصلاحات بعدی آن تأسیس شد، به‌طور اصلی به دعوی ابطال می‌پردازد که مشمول مهلت‌های زمانی سخت‌گیرانه هستند؛ نمونه بارز آن ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری است. این چارچوب قانونی بیانگر رویکردی حداقلی است که بیش از حمایت گسترده از حقوق افراد، بر حفظ نظم اداری تأکید دارد.

1. Dada, F.O., & Alemika, E.I., *Meeting the Need for a Technologically Driven Justice Delivery System: The Elixir of Rights and Judicial Expediency*. Beijing Law Review, 2020.

۲. آقایی طوق، مسلم. (۱۴۰۱). انواع دعوای اداری در ایران و فرانسه. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۳(۸۳)، ص ۲.

۳. زاهد، سیف الرحمن، یاوری، اسدالله. (۱۴۰۴). نقش دعوای اداری در تحقق عدالت اداری (مطالعه تطبیقی انگلستان و آمریکا). پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳.

۴. واعظی، سیدمجتبی، مبانی حقوق اداری؛ فخر نظریه‌پردازی در ایران در اندیشه‌های حقوق اداری. تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳، ص ۶۷.

در عمل، اصحاب دعوا در ایران معمولاً فرصت اندکی برای به چالش کشیدن اقدامات دولتی دارند، زیرا مهلت‌های سخت‌گیرانه، پس از انقضای خود، تصمیمات اداری را عملاً قطعی و غیرقابل اعتراض می‌سازند. افزون بر این، برخی حوزه‌ها مانند دعاوی مالیاتی تابع فرآیندهای پیچیده و چندمرحله‌ای هستند که در آن اختلافات ابتدا از طریق نهادهای شبه قضایی، نظیر هیأت‌های مالیاتی و هیأت‌های حل اختلاف تخصصی، رسیدگی می‌شوند و در نهایت به دیوان عدالت اداری ارجاع داده می‌شوند. یکی از دسته‌بندی‌های حائز اهمیت، تقسیم دعاوی اداری به دعاوی ابطال، کامل، تفسیر و مجازات است که «ادوارد لافریر» در اواخر قرن نوزدهم ارائه کرده است و علی‌رغم انتقادهایی که به آن شده، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است. در برخی نوشته‌های حقوق اداری ایران، دعاوی اداری به ابطال و خسارت تقسیم شده است که جامع نیست؛ چرا که در ایران دعاوی کامل، احراز و مجازات هم وجود دارد. بررسی تطبیقی انواع دعاوی اداری در فرانسه و ایران نشان می‌دهد که میان هر کدام از این انواع چهارگانه، تفاوت‌هایی وجود دارد.^۱ نظام حقوقی اداری فرانسه، مهلت‌های اعتراض^۲ نقش بسیار مهمی در تعیین زمان‌هایی دارند که شهروندان می‌توانند نسبت به تصمیمات مقامات عمومی شکایت یا درخواست تجدیدنظر ارائه دهند. مفهوم مهلت‌های اداری در فرانسه تحت حاکمیت قواعد خاصی است که دوره‌هایی را تعیین می‌کند که افراد باید در آن‌ها شکایت یا درخواست خود را علیه اقدامات اداری مطرح کنند. این مهلت‌ها معمولاً از تاریخ ابلاغ یا انتشار تصمیم اداری مورد نظر آغاز می‌شوند. چارچوب حقوقی اداری فرانسه این مهلت‌ها را با هدف ایجاد تعادل میان دو منفعت متعارض تنظیم کرده است: از یک سو، نیاز به قطعیت و ثبات در اقدامات اداری، و از سوی دیگر، حق شهروندان برای اعتراض به تصمیمات احتمالاً غیرقانونی. حقوق اداری فرانسه نمایانگر سنت حقوقی متمایزی است که اصول آن نه تنها بر حکمرانی داخلی این کشور اثرگذار بوده، بلکه بر چارچوب‌های بین‌المللی حقوق بشر نیز تأثیر گذاشته است. یکی از بنیان‌های این نظام، مفهوم «حاشیه تقدیر»^۳ است که از رویه‌های قضایی شورای دولتی فرانسه^۴ نشأت گرفته و به یکی از عناصر بنیادین در نظام‌های حقوق اداری

۱. آقایی طوق، مسلم، انواع دعاوی اداری در ایران و فرانسه. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۳(۸۳)، ۱۴۰۱، ص ۱-۲۶.

2. délais de recours

3. margin of appreciation

4. Conseil d'État

مبتنی بر حقوق مدنی بدل شده است.^۱ یکی از ویژگی‌های کلیدی حقوق اداری فرانسه، اصل «توسل به مازاد صلاحیت»^۲ است که کارکردی مشابه با «اقدامات فراتر از اختیارات» در نظام‌های کامن‌لا دارد. با این حال، حقوق اداری فرانسه در اصل فرض را بر قانونی بودن اقدامات اداری می‌گذارد، مادامی که این اقدامات در چارچوب صلاحیت عام مرجع اداری مربوطه انجام شده باشند.^۳

دعاوی اداری معمولاً مشمول دوره‌های مرور زمان متمایز و کوتاه‌تری نسبت به دعاوی حقوقی هستند. این چارچوب‌های زمانی خاص بازتابی از ماهیت متفاوت رسیدگی‌های اداری و ضرورت کارآمدی در نظام اداری عمومی‌اند. در اوکراین، مرور زمان در روابط حقوقی اداری به‌عنوان بخشی از چارچوب کلی حاکم بر دیون و تعهدات حقوقی اعمال می‌شود و قانون‌گذار این کشور مهلت‌های مشخصی را برای طرح دعاوی اداری تعیین کرده است تا از قابلیت اجرای آن‌ها اطمینان حاصل شود. در اندونزی، حقوق اداری محدودیت زمانی بسیار کوتاهی برابر با ۹۰ روز برای ثبت شکایت در دادگاه اداری تعیین کرده است. این مهلت محدود موجب بروز چالش‌های جدی شده و چندین بار در دیوان قانون اساسی مورد اعتراض قرار گرفته است. منتقدان معتقدند که چنین بازه‌ی زمانی کوتاهی می‌تواند به جای تضمین قطعیت حقوقی و ثبات سیاسی، به حقوق فردی آسیب بزند.^۴

در عمل، دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۳۱۰۵ مورخ ۸/۱۱/۱۳۹۸، موضع خود را در خصوص تغییر مبنای محاسبه مرور زمان در دعاوی مالیاتی روشن ساخته است. در این پرونده، دیوان بخشنامه سازمان امور مالیاتی را که مبنای محاسبه مرور زمان را از پنج سال از تاریخ سررسید مالیات (مطابق ماده ۱۷۵ قانون مالیات‌های مستقیم) به پنج سال از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه مالیاتی تغییر داده بود، به دلیل مغایرت با قانون ابطال کرد. این تصمیم نشان‌دهنده التزام دیوان به اصل ثبات در مبنای محاسبه مرور زمان و لزوم رعایت صراحت قانونی در این زمینه است.^۵

1. Kuliushin, E.N, **Adoption of a judgement and exercising control of its performance by a court in administrative proceedings**. SHS Web of Conferences, 2021:p431

2. "recourse for the excess of powers

3. Carelli, D., & Peters, B.G., **Autonomy by Decree: How Administrative Law Shapes Bureaucratic Autonomy in Four Administrative Traditions**. Administration & Society, 56, 2024:p 689.

4. Štefko, M., **Employers' Constitutional Protection against Retroactive Measures Aimed to Prolong Their Administrative Liability by Increasing Time Limitation**, Societas et iurisprudentia, 2020:p156.

۵. موسوی‌زاده مرکیه، شهاب‌الدین، مرور زمان دعاوی علیه تصمیم‌ها و مصوبات دولتی، فصلنامه راهبرد حقوقی، ۱۳۹۷.

۱-۲. دعاوی اداری در فرانسه

در فرانسه نیز از منظر عملی نیز، مرور زمان به چالش‌هایی چون زوال ادله و دشواری رسیدگی به دعاوی قدیمی پاسخ می‌دهد. به گفته‌ی دیویس، «تاخیر در اقامه دعوی، ادله‌ی موجود برای احقاق حق را تضعیف می‌کند، موجب تداوم ابهام می‌شود، مانع حل و فصل قاطع امور طرفین می‌گردد و منابع محدود قضایی را درگیر دعاوی ای می‌سازد که می‌بایست مدت‌ها پیش مطرح یا کنار گذاشته می‌شدند.»^۱ این توجیه به‌ویژه در زمینه‌های تجاری برجسته است؛ جایی که دوره‌های مرور زمان می‌توانند خطرات اخلاقی را کاهش دهند، مانند مواردی در حقوق فروش که در آن خریداران ممکن است انگیزه داشته باشند اقامه دعوی را به تعویق بیندازند. به‌طور مهم، مرور زمان صرفاً در خدمت منافع فردی خواننده نیست، بلکه منافع عمومی گسترده‌تری را نیز دنبال می‌کند. به گفته‌ی لیدی هیل، «از منظر دولت، منافع مهمی در برگزاری دادرسی منصفانه و خاتمه‌بخشیدن به دعوی وجود دارد.» این دیدگاه در رسیدگی دادگاه منطقه‌ای ایالت ایلینوی به دعاوی غرامت از سوی نوادگان بردگان نیز مورد توجه قرار گرفت، جایی که دادگاه اعلام کرد «این دعاوی باید به‌موقع مطرح شوند، یعنی در محدوده زمانی تعیین شده در مقررات مرور زمان.»^۲ استدلال دادگاه نشان داد که مرور زمان به‌عنوان ابزاری برای ایجاد توازن میان عدالت تاریخی و نیازهای عملی نظام‌های حقوقی عمل می‌کند. حقوق بین‌الملل به‌صراحت تصریح کرده است که جنایات علیه بشریت و نقض‌های شدید حقوق بشر نباید مشمول مرور زمان شوند. کنوانسیون سازمان ملل درباره‌ی عدم شمول مرور زمان بر جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تأکید می‌کند که این دسته از جنایات، بدون توجه به زمان وقوع، قابل تعقیب کیفری هستند. همچنین، کنوانسیون اروپایی سال ۱۹۷۴ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مقرراتی در این راستا در خود جای داده‌اند.^۳

سال اول، شماره ۲، ص. ۱۶۷-۱۶۸

1. Davies, P.S., SECTION 36 OF THE LIMITATION ACT 1980. The Cambridge Law Journal, 82, 2023: p406.
2. Citrawan, H., Transitional (in)Justice as Duration, Journal of Southeast Asian Human Rights, 2022.
3. Acevedo, J.P., The Close Relationship Between Serious Human Rights Violations and Crimes Against Humanity: International Criminalization of Serious Abuses, Anuario Mexicano de Derecho Internacional, 17, 2017: p154.

نهادهای نظارتی حقوق بشر، همواره بر اولویت عدم اعمال مرور زمان در خصوص نقض‌های جدی حقوق بشر نسبت به اصل عدم عطف به ماسبق بودن قوانین تأکید کرده‌اند تا با مصونیت از مجازات مقابله شود. به‌عنوان نمونه، دیوان حقوق بشر اروپا در پرونده‌ی^۱ علیه ایتالیا رأی داد که پرونده‌های مربوط به شکنجه یا بدرفتاری توسط عوامل دولتی، نباید به دلیل انقضای مهلت قانونی متوقف شوند.^۲ در برخی حوزه‌ها مانند نقض حقوق شخصی نیز استثنائاتی وجود دارد. در حقوق روسیه و طبق ماده ۲۰۸ قانون مدنی، مطالبه خسارت معنوی ناشی از نقض حقوق غیرمالی شخصی مشمول مرور زمان نمی‌شود. اما این رویه در همه کشورها یکسان نیست؛ مثلاً در جمهوری چک، قربانیان عقیم‌سازی اجباری تنها در صورت رعایت مهلت سه‌ساله مرور زمان می‌توانند خسارت غیرمالی دریافت کنند، مگر اینکه اجرای آن مغایر با اصول اخلاقی^۳ تلقی شود. وضعیت‌های اضطراری نیز می‌توانند توجیهی برای تعلیق یا استثنای مرور زمان باشند. در زمان اعلام وضعیت اضطراری، که در آن نهادهای دولتی اختیارات بیشتری برای حفظ نظم عمومی دارند، ممکن است نقض حقوق شهروندان تشدید شود. در این موارد، حتی اگر اقدامات اداری مشروعیت داشته باشند، جبران خسارت برای حقوق تضییع شده باید در نظر گرفته شود. همان‌گونه که جان مارشال، رئیس وقت دیوان عالی آمریکا، در پرونده معروف^۴ بیان کرد: «ذات حقوق مدنی در تضمین حمایت و جبران خسارت از سوی دولت در برابر نقض آن‌ها است.»^۵

مهلت‌های قانونی^۶ نقش مهمی در نظام‌های حقوقی ایفا می‌کنند؛ از جمله کارآمدی دادرسی، ایجاد قطعیت حقوقی و تضمین ثبات در روابط حقوقی. با این حال، این مهلت‌ها در برخی موارد

1. Cestaro

2. Lee, J., *Articulating the Church's story as legal defendant in abuse claims: Can the Magisterium help?* Church, Communication and Culture, 7, 2022:p 346.

3. (dobré mravy)

4. Marbury v. Madison (1803)

5. Fang, L., *The Realistic Dilemma of Citizen Rights Derogation and the Theoretical Response of Administrative Law From the Perspective of Public Health Emergency*. Proceedings of the 6th International Conference on Economics, Management, Law and Education, 2021:p135-137.

6. statutes of limitations

می‌توانند به شدت حقوق افراد را تضعیف کنند، به‌ویژه زمانی که مانع رسیدگی به دعاوی موجه و مشروع می‌شوند. این تعارض میان قواعد شکلی و عدالت ماهوی به‌ویژه در شرایطی برجسته می‌شود که مهلت مقرر پیش از آن به پایان می‌رسد که افراد بتوانند به‌طور منطقی و معقول دعوای خود را مطرح کنند. این مسئله به‌طور خاص در حقوق اداری مشهود است، جایی که مهلت‌های بسیار کوتاه برای اقامه دعوی، عملاً امکان دسترسی به عدالت را از افراد سلب می‌کند. برای نمونه، در اندونزی، مهلت ۹۰ روزه برای ثبت شکایت در دیوان اداری با انتقادات گسترده‌ای روبه‌رو بوده و چندین چالش حقوقی در دیوان قانون اساسی مطرح شده است. منتقدان بر این باورند که چنین مهلت محدودی «بیش از آن‌که به تحقق قطعیت حقوقی و حفظ ثبات سیاسی بینجامد، حقوق بشر را نقض می‌کند.»^۱ مطابق این دیدگاه، «حق ماهوی برای دریافت حمایت (حق حمایت) از تعهد موجود با پایان یافتن مهلت قانونی از بین نمی‌رود»^۲. هرچند امکان مطالبه قضایی ممکن است محدود شود، اما «حق ماهوی نقض شده، حتی پس از انقضای مهلت، به‌طور کامل بدون حمایت نمی‌ماند، اگرچه درجه حمایت آن کاهش می‌یابد. بین رویکرد بین سازوکار شکلی مطالبه و وجود ماهوی حق تمایز قائل می‌شود.

تفاوت میان حمایت مبتنی بر مطالبه^۳ و حمایت غیرمبتنی بر مطالبه^۴ در این زمینه اهمیت دارد. در ادبیات حقوقی آمده است که «اعمال مقررات مرور زمان در موارد حمایت غیرمبتنی بر مطالبه از حق نقض شده امکان‌پذیر نیست»، هرچند «امکان حمایت قضایی از حق از طریق اجبار دولتی، پس از نقض آن پدید می‌آید و به مهلت‌های مشخصی محدود می‌شود»^۵. این تمایز نشان می‌دهد که گرچه راه‌های رسمی دادخواهی ممکن است مسدود شود، اما اشکال دیگر حمایت، هرچند

1. Akhmad, M.Z., **Implications of the Limits for Filing a Lawsuit to the State Administrative Court: Upholding Legal Certainty or Injuring Human Rights?** Indonesian State Law Review (ISLRev), 2023, p 13

2. Akhmad, M.Z., **Implications of the Limits for Filing a Lawsuit to the State Administrative Court: Upholding Legal Certainty or Injuring Human Rights?** Indonesian State Law Review (ISLRev), 2023:p54.

3. claim-based protection

4. non-claim protection

5. Santoso, W.Y., **Bridging the Implementation of Nagoya-Kualalumpur Supplementary Protocol on Liability and Redress in Indonesia.** Indonesia Law Review, 6, 2016: p70-71.

ضعیف‌تر، همچنان باقی می‌مانند. اگرچه مهلت‌های قانونی برای حفظ نظم و قطعیت در نظام حقوقی ضروری‌اند، ضروری است که به نحوی تنظیم و اجرا شوند که دسترسی به عدالت و جبران خسارت برای صاحبان حقوق مشروع را به‌طور ناعادلانه محدود نکنند. نظام‌های حقوقی اروپایی نیز در برخورد با مرور زمان تنوع چشمگیری دارند. حقوق آلمان لیبرال‌ترین رویکرد را در قبال تنظیم قراردادی مدت مرور زمان اتخاذ کرده است، به‌طوری که امکان کاهش یا افزایش این مدت از طریق قرارداد وجود دارد. در مقابل، حقوق لهستان سخت‌گیرانه‌ترین موضع را دارد و هرگونه تغییر قراردادی در مدت مرور زمان را ممنوع می‌داند. نظام حقوقی اوکراین رویکرد میانه‌تری اتخاذ کرده و تنها افزایش مدت مرور زمان را از طریق توافق مجاز می‌داند.^۱

این تنوع، بازتاب تفاوت‌های بنیادین در نگرش قانون‌گذاران ملی نسبت به دلایل و کارکردهای حقوقی مرور زمان است. نظام حقوقی فرانسه در برخی دعاوی، از جمله دعاوی رقابت‌ستیز، رویکردی دوگانه و متمایز نسبت به مرور زمان اتخاذ کرده است. در این موارد، مدت مرور زمان پنج سال پس از وقوع عمل ضد رقابتی یا پایان یافتن یک رفتار مستمر آغاز می‌شود. با این حال، اگر مقامات نظارتی هنوز تصمیم‌گیری نکرده باشند، این مدت به ده سال افزایش می‌یابد.^۲ این رویکرد دو مرحله‌ای نشان می‌دهد که برخی نظام‌های حقوقی برای پاسخ به دغدغه‌های خاص سیاست‌گذاری، چارچوب‌های پیچیده‌تری برای مرور زمان طراحی می‌کنند. این شرط «آگاهی»، حمایت بیشتری از دارندگان حق فراهم می‌کند تا پیش از آگاهی معقول از دعاوی خود، حقوقشان از بین نرود.^۳

1. Buletsa, S., & Zakrzewski, P., *Limitation of Claims in Polish and Ukrainian Civil Code Against the Background of the Principles of European Contract Law and the German Civil Code*. *Journal of Legal Studies*, 24, 2019:p 91.

2. Knapp, M., & Costa Cunha, D. (2023). *Antitrust Fines and Limitation Periods After the Implementation of Directive (EU) 2019/1 Throughout Member States: Focus on French and Polish Perspectives*, *IIC - International Review of Intellectual Property and Competition Law*, 54,2023: 906.

3. Winter, P., & Dietrich, F., *Combating Illicit Trade in Cultural Objects in the Staatliche Museen zu Berlin (State Museums in Berlin): Policies in Acquisitions and Loans and Research of Provenance*, *Santander Art and Culture Law Review*, 2023:p 31.

۲-۲. تمایز دعاوی اداری عمومی و حقوق خصوصی

برخلاف نظام ایران، چارچوب عدالت اداری فرانسه بر یک مدل دوگانه استوار است که میان دعاوی اداری عمومی و حقوق خصوصی تمایز قائل شده و سازوکارهای جامعی برای رسیدگی به طیف گسترده‌ای از اختلافات فراهم می‌کند. دادگاه‌های اداری فرانسه نه تنها به دعاوی ابطال رسیدگی می‌کنند، بلکه از «صلاحیت کامل» در موضوعاتی مانند دعاوی جبران خسارت، اختلافات قراردادی و مسئولیت دولت نیز برخوردارند.^۱ یکی از عوامل آیین دادرسی کلیدی در نظام فرانسه، تعیین صریح مهلت‌های زمانی برای ثبت دعاوی است. برای مثال، مهلت اقامه دعاوی ابطال علیه یک تصمیم اداری معمولاً دو ماه از تاریخ انتشار یا ابلاغ آن تعیین شده است. این ضرب‌الاجل به منظور تأمین قطعیت حقوقی و ثبات اداری طراحی شده است؛ با این حال، ممکن است در صورتی که شاکی نتواند این مهلت سخت‌گیرانه را رعایت کند، حق او در به چالش کشیدن یک تصمیم اداری محدود گردد. با این وجود، رویکرد فرانسه به طور کلی انعطاف‌پذیرتر از همتای ایرانی خود است، زیرا دادگاه‌های اداری فرانسه صلاحیت رسیدگی به دعاوی تام‌العیار فراتر از ابطال صرف را دارند، و بدین ترتیب راه‌های بیشتری برای احقاق حق و حمایت گسترده‌تر از حقوق فردی در اختیار شاکیان قرار می‌دهند.

۳-۲. تحول و پدیداری مهلت‌های اداری در فرانسه

تحول مهلت‌های اداری در فرانسه حاصل تلفیقی از رویه قضایی و تحولات تقنینی است. رویه قضایی شورای دولتی فرانسه نقشی بسیار تأثیرگذار داشته و به عنوان نقطه عطفی در توسعه حقوق اداری نه تنها در فرانسه بلکه در سراسر اروپا شناخته می‌شود. این سیر تحول با تصویب قوانین کلیدی تکمیل شده که حقوق شکلی شهروندان را نهادینه کرده‌اند، از جمله:

قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ که حق دسترسی به اسناد و اطلاعات را پایه‌گذاری کرد؛ قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹ که الزام به ارائه دلایل در تصمیمات اداری را به رسمیت شناخت؛ و قانون ۱۲ آوریل ۲۰۰۰ که مقررات کلی مهمی را در رابطه با حقوق شهروندان در تعامل با نهادهای اداری معرفی کرد.^۲ این چارچوب‌های

1. Čeko, A.Đ., & Kovač, P., *Comparative Analysis Of An Administrative Appeal In Croatian, Slovenian, And Eu Law*. *Eu 2020* – lessons from the past and solutions for the future, 2020:p 321.

2. Jadalhaq, I.M., Abdulhay, I.E., Alqodsi, E.M., & El Maknouzi, M.E., *A systematic reviews and meta-analyses of interruption of the statute of limitations for civil claims: A comparative study of Arab legislations*. *Heliyon*, 9, 2023:p 51-52.

تقنینی به تدریج ضمانت‌های شکلی را تقویت کرده‌اند، در حالی که هم‌زمان، انسجام ساختاری نظام مهلت‌های اداری حفظ شده است. باید افزود که شورای دولتی، صلاحیت صدور نظریه مشورتی قضایی هم دارد. بر اساس این صلاحیت، درباره تقاضاهایی که برای کسب نظر شورا از جانب محاکم اداری و تجدیدنظر طرح می‌گردند، اقدام به صدور آرای مشورتی می‌نماید. ماده ۱۴ قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷ که امروزه در مجموعه قوانین وارد گردیده است و در قالب ماده ۱۱۳-۱ کد عدالت اداری فرانسه آمده، چنین پیش‌بینی کرده است که دادگاه اداری و تجدیدنظر می‌توانند قبل از صدور حکم، بر پایه گزارشی، وجود یک مسأله حقوقی جدید و مشکل و یا مسأله‌ای که در اختلافات متعددی تکرار شده است را اعلام نمایند. از این گزارش نمی‌توان شکایت کرد و پس از اینکه مسأله، به شورای دولتی ارجاع می‌شود، شورا باید ظرف ۳ ماه به بررسی مسأله و اظهار نظر بپردازد. این نظرات و آرای شورا، نقش مهمی در ساخت رویه قضایی اداری ایفا می‌نماید^۱

۳. آثار حقوقی محدودیت زمانی و مرور زمان دعاوی اداری در در قبال حقوق اشخاص

تفاوت اصلی میان نظام‌های ایران و فرانسه در گستره دعاوی قابل طرح نزد دادگاه‌های اداری نهفته است. در ایران، تمرکز بر دعاوی ابطال سبب می‌شود محدودیت‌های زمانی دو نقش ایفا کنند: از یک سو به قطعی شدن تصمیمات اداری کمک می‌کنند و از سوی دیگر فرصت افراد برای طرح دعوی (در صورت وجود دلایل قانع‌کننده) را محدود می‌سازند. ادعای مخالفت بین با قانون یا شرع به دلیل ماهیت خاص و اهمیت آن در حفظ حقوق ذی‌نفعان، معمولاً از محدودیت‌های زمانی متعارف (مانند مرور زمان) مستثنی است. با این حال، قانون ۱۴۰۲ محدودیت‌های زمانی جدیدی را معرفی کرده که ممکن است در دعاوی عادی اعمال شود. در این راستا برخی نویسندگان، ضمن تأیید اینکه رسیدگی به آرای خلاف بین در اصل مقید به زمان نیست، آن را مصداقی از اختیارات فقهی دانسته و با توجه به سکوت قوانین دیوان عدالت اداری در بازه زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۲، امکان درخواست رسیدگی به آرای خلاف بین در این دوره را غیرممکن تلقی کرده‌اند. همچنین، درباره آرای صادره پس از سال ۱۳۷۲، با استناد به قید دو ماهه مندرج در آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق پنج

۱. نادری فرد، محمد، مجتهدی، محمد رضا و رنجبری، ابوالفضل، تأثیر اصل تقدم صلاحیت دادگاه‌های اداری در تحقق عدالت در فرانسه؛ با نگاهی به اجرای آن در نظام حقوق اداری ایران، پژوهش‌های حقوقی، ۲۰۱۴۰۰، (۴۸)، ص ۱۸۵-۲۱۳.

تبصره به مواد ۱۵، ۱۸ و ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری، رسیدگی به آرای قطعی شده در قالب آرای خلاف بین را غیرقابل اعمال دانسته‌اند. از سوی دیگر، با توجه به نسخ تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری بر اساس قانون اصلاح موادی از این قانون در سال ۱۳۷۸، امکان درخواست رسیدگی به آرای خلاف بین برای آرای صادره از سال ۱۳۷۸ تا زمان تصویب قانون دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۸۵ نیز منتفی شده است. در نهایت، از دیدگاه این نویسندگان، در رویه کنونی دیوان عدالت اداری، درخواست رسیدگی به آرای خلاف بین برای آرای صادره پیش از سال ۱۳۸۵ به طور کلی پذیرفته نمی‌شود، اما در قانون مصوب ۱۳۸۵ و قوانین بعدی، رسیدگی به آرای خلاف بین بدون محدودیت زمانی پذیرفته شده است.^۱

به عنوان مثال: دیوان عدالت اداری در یک پرونده، با بررسی ترک فعل نهاد دولتی در پرداخت غرامت‌های قانونی به شهروندی که در عملیات جنگی آسیب دیده بود، استناد به «مرور زمان برای اسقاط حق مطالبه معوقات مستمری» را نپذیرفت و رأی داد که: «شهروند آسیب دیده در جریان عملیات جنگی باید از غرامت‌های مندرج در قانون بهره‌مند شود.» (رأی شعبه ششم، مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۹۱، شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۰۲۵۶۵، منتشرشده در فصلنامه حقوق اداری، سال دوازدهم، شماره ۴۰). بنابراین، به نظر می‌رسد استناد به مرور زمان در تصمیمات موردی کارمندان دولت، به‌ویژه در مواردی که منجر به نفی حقوق قانونی ذی‌نفع شود، پذیرفتنی نیست. با این حال، از منظر مخالف، با تصویب قانون دیوان عدالت اداری در سال ۱۴۰۲، به طور ضمنی نوعی مرور زمان در برخی موارد به رسمیت شناخته شده است. برای مثال، تبصره ۲ ماده ۱۶ این قانون (مصوب ۱۰/۲/۱۴۰۲) مقرر می‌دارد: «تصمیمات و اقدامات دستگاه‌ها و مأمورین، ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ برای اشخاص مقیم داخل کشور و یک سال برای اشخاص مقیم خارج از کشور، قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است.».

در مقابل، نظام فرانسه طیف گسترده‌تری از اختلافات را پوشش می‌دهد. علاوه بر دعاوی ابطال، رویه‌های اداری در فرانسه امکان طرح دعاوی با صلاحیت کامل را فراهم می‌کنند که می‌تواند به مسائل جبران خسارت، اختلافات قراردادی و مسئولیت گسترده دولت بپردازد. این دامنه وسیع تضمین می‌کند که

۱. مولایی، غلامرضا و محمدی احمدآبادی، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مطابق با اصلاحات قانون در سال ۱۴۰۲، چاپ هفتم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۴۰۲، ص ۲۱۸-۲۲۲.

حتی اگر شاکی مهلت محدود دعوی ابطال را از دست بدهد، همچنان مسیرهای جایگزینی برای اعتراض به اقدامات دولت وجود دارد؛ موضوعی که آثار منفی ناشی از محدودیت‌های زمانی سخت‌گیرانه را تا حدی کاهش می‌دهد. اهمیت و تمایز دادرسی اداری نسبت به سایر انواع دادرسی (در دعوی حقوقی و کیفری) علاوه بر ابعاد فنی و تخصصی موضوع دعوی اداری، به جهت بعد سیاسی دعوی یادشده نیز هست. ساختار دادرسی اداری در کشورهای مختلف، به شکلی واحد و لزوماً ذیل قوه قضاییه طراحی نشده است.^۱ در چارچوب نظام حقوقی فرانسه، دعوی اداری نقشی اساسی به عنوان ابزاری برای حمایت از حقوق بشر ایفا می‌کند، به گونه‌ای که این سازوکار «موجب آغاز حمایت قضایی از حقوق، آزادی‌ها و منافع شهروندان در برابر تصمیمات، اقدامات یا سکوت‌های غیرقانونی نهادهای دارای قدرت» می‌شود. این نوع رسیدگی قضایی امکان نظارت مؤثر بر عملکرد مقامات اداری را فراهم کرده و تضمین می‌کند که قدرت عمومی در چارچوب قانون و در راستای حفظ حقوق فردی و منافع عمومی اعمال شود. بدین ترتیب، نظام دادرسی اداری در فرانسه نه تنها ابزاری برای حل اختلافات، بلکه یکی از ارکان کلیدی تضمین حاکمیت قانون و صیانت از حقوق بنیادین شهروندان محسوب می‌شود.^۲

نظام حقوق اداری فرانسه به دلیل رویکرد پیشرفته‌اش در ایجاد تعادل میان اقتدار اداری و حمایت از حقوق فردی، در سطح بین‌المللی مورد تحسین قرار گرفته است. حتی منتقدانی مانند آوریس دیسی^۳، که با برخی جنبه‌های حقوق اداری فرانسه به‌طور بنیادین مخالف بودند، نیز مهارت و ابتکار شورای دولتی فرانسه را در خلق نظامی گسترده از رویه‌های قضایی و ابداع راهکارهای جدید برای حمایت از افراد در برابر رفتارهای خودسرانه و غیرقانونی نهادهای اداری، مورد ستایش قرار داده‌اند. دیسی به‌طور خاص اذعان می‌کند که این نهاد با پشتکار و دقت، سال به سال بر بیچیدگی و کارآمدی این نظام افزوده و نقش مهمی در تضمین حقوق شهروندان ایفا کرده است.^۴ با این

۱. سالاری، امین اله، سراجی، مصطفی، و رنجبر، احمد. (۱۴۰۰). بررسی جایگاه حقوق دادرسی اداری در ایران. کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی. 3. <https://sid.ir/paper/901189/fa>. SID.

2. Zakalenko, O.V., & Bolshakova, O., **The interconnection between the procedural form and the lawsuit in administrative proceedings: theoretical and methodological aspect**, Economics. Finances, Law, 2023; p 98.

3. Dicey

4. Carelli, D., & Peters, B.G., **Autonomy by Decree: How Administrative Law Shapes Bureaucratic Autonomy in Four Administrative Traditions**, Administration & Society, 56, 2024; p 684.

توصیف آثار حقوقی مهلت‌های اداری در فرانسه بسیار مهم بوده و پیامدهای شکلی قابل توجهی برای شهروندانی دارد که قصد اعتراض به اقدامات اداری را دارند. یکی از مهم‌ترین این آثار، ماهیت قاطع و انقضایی این مهلت‌هاست به‌گونه‌ای که با گذشت مهلت مقرر، حق طرح دعوی اصولاً از بین می‌رود.^۱ این ویژگی باعث شده تا نظام مهلت‌های اداری فرانسه بسیار سخت‌گیرانه باشد، به طوری که مهلت استاندارد سه ماهه برای رسیدگی به امور اداری در نظر گرفته شده است و پس از آن مهلت جنبه انقضایی پیدا می‌کند. حقوق اداری فرانسه دو نوع دعوای اداری با آثار حقوقی متفاوت نسبت به مهلت‌ها را به رسمیت می‌شناسد. نخست،^۲ (دادخواست اداری) است که به صورت اختیاری ارائه می‌شود و اثر حقوقی مهمی چون تمدید مهلت طرح دعوی در دادگاه را به همراه دارد. این نوع دادخواست معمولاً الزامی نیست، مقررات حاکم بر آن بیشتر ماهیت رویه‌ای دارند و از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که نیازی به اثبات نفع شخصی خاص نیست، تشریفات محدودی دارد و اغلب فاقد مهلت زمانی مشخص برای طرح دعوی است. اثر حقوقی مهم دیگر، به عواقب سکوت اداری مربوط می‌شود. در مواردی که مراجع اداری در مهلت مقرر پاسخی ارائه ندهند، نظام حقوقی فرانسه با استفاده از مفهوم «فرض رد ضمنی»^۳، سکوت اداری را به مثابه رد درخواست تلقی می‌کند، که این امر امکان طرح اعتراض را حتی در غیاب تصمیم رسمی فراهم می‌سازد. با آن‌که رویکرد اصلی بر مبنای فرض رد ضمنی است، در موارد استثنایی و بر اساس قوانین خاص، امکان فرض تصمیم مثبت نیز پیش‌بینی شده است. همچنین، در مواردی که قانون صراحتاً مقرر کرده باشد، دعوی اداری پیشینی^۴ می‌تواند شرط لازم برای طرح دعوی قضایی باشد، که این امر لایه جدیدی به روندهای دادرسی افزوده و بر چگونگی و زمان دسترسی شهروندان به نظارت قضایی تأثیر می‌گذارد. سخت‌گیری در اجرای محدودیت‌های زمانی، عاملی حیاتی در تأثیرگذاری بر حقوق فردی در هر دو نظام است. در فرانسه، دادگاه‌های اداری نه تنها به‌طور جدی ضرب‌الاجل‌ها را اجرا می‌کنند، بلکه سازوکارهایی همچون نظارت قضایی و مجازات برای عدم رعایت - از جمله جریمه یا الزام به انجام اقدامات اداری - را نیز

۱. هداوند، مهدی، حقوق اداری تطبیقی، جلد دوم. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰، ص ۳۸

2. recours administratif

3. fiction of a negative decision

4. recours administratif préalable

به‌کار می‌گیرند.^۱ این زیرساخت حقوقی قوی به تضمین پابندی طرفین به مهلت‌ها کمک کرده و مانع از تأخیر می‌شود. در مقابل، نظام عدالت اداری ایران با چالش‌های آیین دادرسی متعددی روبه‌رو است. به‌عنوان نمونه، صلاحیت‌های متداخل نهادهای شبه‌قضایی و قطعیت برخی آرای کمیسیون‌های مالیاتی، نظارت قضایی را محدود کرده و در صورت از دست رفتن مهلت‌ها، امکان جبران مؤثر را کاهش می‌دهد. نبود یک نظام یکپارچه و فراگیر محدودیت‌های زمانی در انواع مختلف دعاوی اداری نیز پیش‌بینی‌پذیری و دسترسی به فرآیند قضایی را کمتر کرده و آسیب‌پذیری حقوق افراد را افزایش می‌دهد. رویه قضایی فرانسه نیز سازوکارهای انقطاع را در حوزه‌های مختلف روشن‌تر کرده است. دادگاه اداری تجدیدنظر فرانسه دامنه انقطاع را به مواردی مانند تضمین‌های ده‌ساله گسترش داده و پذیرفته است که درخواست‌های فوری برای تعیین کارشناس از سوی دادگاه می‌تواند اثر انقطاعی بر مهلت‌ها داشته باشد.^۲ در حوزه حقوق رقابت، نظام حقوقی فرانسه مقررات ویژه‌ای برای انقطاع و توقف مهلت‌ها در نظر گرفته است، با درک این واقعیت که تخلفات رقابتی (نظیر کارتل‌ها) ممکن است سال‌ها مخفی بمانند. بر همین اساس و در انطباق با دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا، فرانسه اقدام به وضع تدابیری کرده تا زیان دیدگان فرصت کافی برای طرح دعوی جبران خسارت داشته باشند. طبق این مقررات، مهلت اقامه دعوی در حقوق رقابت باید دست‌کم پنج سال باشد و تنها زمانی آغاز می‌شود که چهار شرط به‌طور هم‌زمان فراهم شوند:

۱- قربانی از رفتار ناقض آگاه باشد یا باید آگاه می‌بود،

۲- بداند که این رفتار ناقض حقوق رقابت است،

۳- از وارد شدن خسارت مطلع باشد،

۴- هویت ناقض را بشناسد.

علاوه بر این، مهلت‌های طرح دعوی در طول رسیدگی نهادهای رقابت معلق یا منقطع می‌گردند و این وضعیت تا یک سال پس از قطعی شدن تصمیم آن نهاد ادامه می‌یابد، که به خواهان اجازه می‌دهد برای طرح دعوی تبعی از فرصت بیشتری برخوردار باشد.

1. Yuriichuk, I., *Administrative Appeal as an Out-Of-Court Procedure for the Protection of the Rights of Individuals and Legal Entities*. European Journal of Law and Public Administration, 2019; p43.

2. Jadalhaq, I.M., Abdulhay, I.E., Alqodsi, E.M., & El Maknoui, M.E. (2023). *A systematic reviews and meta-analyses of interruption of the statute of limitations for civil claims: A comparative study of Arab legislations*. Heliyon, 9, 2023; p 165.

۴. اتحادیه اروپا و مهلت‌های اداری در حقوق فرانسه

اتحادیه اروپا تأثیر چشمگیری بر مهلت‌های اداری در حقوق فرانسه داشته است، چه از طریق رویه قضایی و چه از طریق قانون‌گذاری، که این تأثیر عمدتاً بر پایه اصل «اثربخشی» استوار است؛ اصلی که دیوان دادگستری اتحادیه اروپا آن را بنیان نهاده است. بر اساس این اصل، هرچند کشورهای عضو، از جمله فرانسه، می‌توانند برای تضمین امنیت حقوقی، مهلت‌های معقولی برای طرح دعاوی تعیین کنند، اما این مهلت‌ها نباید به‌گونه‌ای باشند که اجرای حقوق ناشی از حقوق اتحادیه اروپا را غیرممکن یا بیش از حد دشوار سازند. دیوان این اصل را در حوزه‌های مختلفی مانند بازپرداخت مالیات‌های اخذشده برخلاف حقوق اتحادیه یا جبران خسارت ناشی از تأخیر در اجرای دستورالعمل‌ها، تبیین کرده و همواره بررسی کرده است که آیا محدودیت‌های ملی مانعی برای تحقق مؤثر حقوق اتحادیه ایجاد می‌کنند یا خیر. در پرونده مهم^۲، دیوان تصریح کرد که در مواردی که ابلاغ اسناد بین کشورهای مشمول مقررات خدمات باشد، تنها مهلت‌های تعیین شده در ماده ۱۹(۴) این مقرر معتبر است و مقررات ملی مساعدتر، در این زمینه اعمال پذیر نیستند، چرا که چنین رویکردی از تبعیض بین طرف‌های مقیم کشورهای مختلف عضو جلوگیری می‌کند.^۳ افزون بر این، برخی از دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا، مانند دستورالعمل پنجم مبارزه با پولشویی، کشورهای عضو را ملزم به تعیین مهلت‌های حداقل پنج‌ساله برای جرایم کیفری خاص کرده‌اند. همچنین در حوزه حقوق رقابت، دستورالعمل خسارت^۴ تحولات چشمگیری به وجود آورده است تا مدعیان فرصت کافی برای طرح دعوی در برابر رویه‌های ضد رقابت (که گاه سال‌ها پنهان می‌مانند) داشته باشند.^۵

1. CJEU

2. Lebek.

3. Rossel, L., Unger, B., & Ferwerda, J., **Shedding light inside the black box of implementation**: Tax crimes as a predicate crime for money laundering. *Regulation & Governance*, 2021: p.132

4. Damages Directive

5. Knapp, M., & Costa Cunha, D. (2023). **Antitrust Fines and Limitation Periods After the Implementation of Directive (EU) 2019/1 Throughout Member States**: Focus on French and Polish Perspectives. *IIC - International Review of Intellectual Property and Competition Law*, 54, 2023: p 914.

در همین راستا، حقوق رقابت فرانسه نیز به‌گونه‌ای اصلاح شده که با الزامات اتحادیه همخوانی داشته باشد، به‌نحوی که اکنون دو ساختار زمانی متفاوت برای دعاوی پیش‌بینی شده است: یک دوره پنج‌ساله پس از وقوع یا پایان رویه ضدرقابتی، و یک مهلت ده‌ساله در صورتی که مرجع رقابت اقدامی نکرده باشد. همچنین، آغاز محاسبه این مهلت‌ها منوط به تحقق چهار شرط همزمان است: آگاهی قربانی از رفتار متخلفانه، شناخت آن به‌عنوان نقض حقوق رقابت، وقوع خسارت، و شناسایی عامل متخلف. در مواردی که دعاوی صرفاً مشمول مقررات اتحادیه اروپا هستند، دادگاه‌های فرانسه همچنان باید مهلت‌های مناسب را طبق حقوق ملی تعیین کنند، اما در عین حال موظف به رعایت اصل برتری حقوق اتحادیه هستند؛ اصلی که دیوان دادگستری اتحادیه اروپا بارها تأکید کرده است که هرچند کشورها می‌توانند برای حفظ قطعیت حقوقی محدودیت‌هایی تعیین کنند، این محدودیت‌ها نباید سخت‌گیرانه‌تر از استانداردهای مقرر در حقوق اتحادیه باشند.¹

مهلت‌های مربوط به رسیدگی‌های اداری در نظام‌های حقوقی مختلف تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند. برای نمونه، در برخی کشورهای اروپای شرقی، حداکثر مدت زمان برای رسیدگی اداری دو سال تعیین شده است و در صورتی که پس از این مدت، موضوع مورد نظر شهروند بدون نتیجه باقی بماند، وی حق طرح دعوای اداری را به‌دست می‌آورد. این بازه زمانی نسبت به مهلت‌های استاندارد که در نظام اداری فرانسه در نظر گرفته شده، بسیار طولانی‌تر است و نشان‌دهنده رویکردی متفاوت نسبت به زمان‌بندی و حفاظت از حقوق افراد در فرآیندهای اداری در این کشورها می‌باشد.² در صورت ضرورت اعمال مرور زمان، ضمانت اجرای آن باید به‌گونه‌ای حداقلی باشد که حق دادخواهی افراد به‌طور کامل سلب نشود. برای مثال، به‌جای سلب کامل حق دادخواهی در یک پرونده، می‌توان دادرسی را متوقف کرد، اما امکان طرح مجدد دعوی را حفظ نمود یا به‌جای صدور قرار رد دعوی، از ضمانت‌اجراهایی مانند تعلیق دادرسی تا رفع موانع استفاده کرد تا امکان احیای رسیدگی در آینده فراهم شود. دادرسان اداری، با توجه به اینکه مرور زمان‌ها و مهلت‌های قانونی یا قضایی، حق دادخواهی را که حقی مسلم برای هر فرد است، محدود می‌کنند، باید این محدودیت‌ها را به‌صورت مضیق تفسیر و اجرا کنند و به حداقل ممکن اکتفا کنند. در هر مورد، حق

1. Ambrožuk, D., *Statute Of Limitations For Passenger Claims Resulting From The European Union Regulations*, 2018: p2.

2. Jurkowska-Gomułka, A., *Antitrust Damage Claims: A View From Efta Court*, 2020: p1.

دادخواهی باید بر مرور زمان‌ها و مهلت‌ها ترجیح داده شود. در صورتی که در اصل وجود مرور زمان یا مهلت‌های محدودکننده تردید باشد، باید این محدودیت‌ها نفی شوند. همچنین، در مواردی که وجود مرور زمان قطعی است، اما در میزان یا مدت آن تردید وجود دارد، باید مدت طولانی‌تر ترجیح داده شود تا حداکثر مهلت ممکن برای دادخواهی فراهم گردد.^۱

یکی از مشکلات اساسی در مواردی بروز می‌کند که آسیب یا زیان وارده تنها پس از انقضای مهلت قانونی ظاهر می‌شود. این مسئله در دعاوی مرتبط با آسیب‌های ناشی از واکنش‌ها به روشنی قابل مشاهده است، زیرا «آسیب‌هایی که افراد در اثر واکنش متحمل می‌شوند، ممکن است تنها پس از پایان یافتن مهلت مقرر بروز یابد و در نتیجه، امکان طرح دعوا را از آن‌ها سلب کند» چنین وضعیتی منجر به بی‌عدالتی بنیادینی می‌شود که در آن قربانیان بدون هیچ تقصیری، از امکان جبران خسارت محروم می‌مانند.^۲ این نظام بررسی تسریع‌شده به‌ویژه در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ بسیار مؤثر واقع شد، زمانی که تصمیمات سریع اداری که بر حقوق فردی تأثیر می‌گذاشتند، نیازمند نظارت فوری قضایی بودند. با استفاده از رفره‌لیبرته، دادگاه‌های اداری توانستند به سرعت به شکایات رسیدگی کنند و از نقض احتمالی حقوق بنیادین در شرایط اضطراری جلوگیری نمایند، که این امر نشان‌دهنده اهمیت بالای این مکانیزم در تضمین تعادل میان ضرورت‌های بهداشتی و حفاظت از آزادی‌های فردی بود.^۳ طولانی شدن روند رسیدگی‌های اداری در فرانسه یکی از چالش‌های اساسی در حمایت از حقوق فردی است، به‌ویژه وقتی که روند تجدیدنظر می‌تواند بدون محدودیت تکرار شود. این موضوع باعث باتکلیفی قضایی و نقض حق دسترسی مؤثر به عدالت می‌گردد.^۴ یکی از تفاوت‌های بارز میان این دو نظام، میزان انعطاف‌پذیری در رژیم‌های محدودیت زمانی آن‌ها است. حقوق اداری فرانسه در شرایطی مانند سکوت اداری یا اوضاع استثنایی، امکان تمدید مهلت طرح دعوی را فراهم می‌کند. این مقررات

۱. محمودی، جواد، واکاوی مرور زمان در دعاوی اداری در ایران، حقوق اداری، ۱۴۰۳، ۱۲ (۴۰)، ص ۱۱۳-۱۳۳.

2. Mokhtar, F.S., Ariff, A.M., Manap, N.A., & Mustafa, N.M., **A solution towards a viable compensation mechanism for injury from COVID-19 vaccines in Malaysia: A qualitative study**, Heliyon, 2024: p63.

3. Vedaschi, A., & Graziani, C, **New Dynamics of the "Post-COVID-19 Era. A Legal Conundrum**. *German Law Journal*, 24, 2023: p 1616.

۴. واعظی، سیدمجتبی، مبانی حقوق اداری؛ فقر نظریه‌پردازی در ایران در اندیشه‌های حقوق اداری، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳، ص ۸۱.

نقش تعدیل‌کننده دارند تا اجرای سخت‌گیرانه ضرب‌الاجل‌ها به‌طور ناعادلانه حقوق فردی را نقض نکند. در مقابل، رژیم ایران اغلب با مهلت‌های انعطاف‌ناپذیری شناخته می‌شود که تأخیر ناشی از تعلل اداری یا شرایط قهری را نمی‌پذیرد. این سخت‌گیری در عمل می‌تواند شاکی را از طرح دعوی پس از انقضای مهلت محروم سازد، حتی اگر دلایل ماهوی دعوی همچنان معتبر باشند. فقدان چنین مقررات انعطاف‌پذیری نه تنها اصل انصاف در رسیدگی‌های اداری را تضعیف می‌کند، بلکه به روند کلی کاهش حمایت از حقوق فردی در ایران دامن می‌زند.

نتیجه‌گیری

اهمیت و تمایز دادرسی اداری نسبت به سایر انواع دادرسی (در دعاوی حقوقی و کیفری) علاوه بر ابعاد فنی و تخصصی موضوع دعاوی اداری، به جهت بعد سیاسی دعاوی یادشده نیز هست. ساختار دادرسی اداری در کشورهای مختلف، به شکلی واحد و لزوماً ذیل قوه قضاییه طراحی نشده است. تحلیل تطبیقی موضوع مرور زمان در دعاوی اداری در نظام حقوقی ایران و فرانسه نشان‌دهنده تفاوت‌های بنیادین میان حقوق اداری با حقوق خصوصی و کیفری است. در حقوق اداری، به دلیل دخالت قدرت عمومی و ضرورت حفظ اصول بنیادین مانند حاکمیت قانون، حق دسترسی به دادرسی منصفانه و پاسخگویی دولت، اعمال مرور زمان نیازمند رویکردی محتاطانه و متمایز است. در حقوق مدنی فرانسه، مرور زمان با مهلت‌هایی مانند پنج سال به‌منظور ایجاد ثبات حقوقی به‌طور گسترده پذیرفته شده، اما در دعاوی اداری، به دلیل ماهیت خاص رابطه شهروند و دولت، این محدودیت‌ها با احتیاط بیشتری اعمال می‌شوند. در ایران، تعمیم تفاسیر شورای نگهبان در خصوص مرور زمان از حقوق خصوصی و کیفری به دعاوی اداری، به دلیل تفاوت در مبانی و اهداف حقوق اداری، توجیه حقوقی ندارد. مرور زمان به‌عنوان امری استثنایی نیازمند تصریح صریح قانون‌گذار است و یکسان پنداشتن آن با مواعید قانونی، اصل دادخواهی را تضعیف می‌کند. این موضوع می‌تواند با اصل ۳۴ قانون اساسی ایران، که حق دادخواهی را تضمین می‌کند، در تعارض باشد. پیچیدگی‌های رویه‌ای و عدم آگاهی شهروندان از مهلت‌های قانونی نیز دسترسی به دادرسی منصفانه را با چالش مواجه می‌سازد. در فرانسه، نظام دادرسی اداری با ساختار سلسله‌مراتبی شامل دادگاه‌های اداری، تجدیدنظر و شورای دولتی، و مهلت‌های محدود مانند دو ماه برای اعتراض به تصمیمات اداری، به دنبال ایجاد توازن میان کارآمدی نظام اداری و

حمایت از حقوق فردی است. با این حال، این محدودیت‌های زمانی برای شهروندانی که آگاهی کافی ندارند، مشکل‌ساز است. شورای دولتی فرانسه با امکان استثنائاتی مانند عذر موجه، این چالش را تا حدی تعدیل کرده است. تفاوت کلیدی میان دعاوی مدنی و اداری در هدف آن‌هاست. دعاوی مدنی بر ثبات روابط خصوصی تمرکز دارند، در حالی که دعاوی اداری به دلیل دخالت قدرت حاکم، بر حفظ حقوق بنیادین شهروندان در برابر دولت تأکید دارند. اعمال مرور زمان در دعاوی اداری ممکن است به نفع دولت و به زیان شهروندان باشد، به ویژه در ایران که فقدان رویه قضایی منسجم و پیچیدگی‌های شکلی این خطر را تشدید می‌کند. در فرانسه، نظارت دقیق شورای دولتی و انعطاف‌پذیری در موارد استثنایی، این مشکل را تا حدی کاهش داده است. برای ایجاد تعادل میان ثبات حقوقی و حفظ حقوق بنیادین شهروندان، قانون‌گذار در ایران باید حدود و شرایط اعمال مرور زمان در دعاوی اداری را با تصریح صریح مشخص کند تا از تفاسیر متفاوت و تضعیف حق دادخواهی جلوگیری شود. آموزش و اطلاع‌رسانی درباره مهلت‌های قانونی و فرایندهای دادرسی می‌تواند دسترسی به عدالت را بهبود بخشد. با الهام از نظام فرانسه، مانند پذیرش عذر موجه برای تمدید مهلت‌ها، به حفظ حقوق شهروندان کمک خواهد کرد. تقویت نظارت قضایی و ایجاد رویه قضایی منسجم در دیوان عدالت اداری ایران نیز به تحقق دادرسی منصفانه یاری می‌رساند. تعادل میان ثبات حقوقی و حفظ حقوق بنیادین شهروندان، مستلزم بازنگری در قوانین و رویه‌های قضایی ایران با الهام از تجربیات نظام‌هایی مانند فرانسه است تا ضمن حفظ کارآمدی نظام اداری، حق دادخواهی و دادرسی منصفانه شهروندان تضمین شود.

منابع

الف: فارسی

کتاب:

۱. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۱.
۲. مولاییگی، غلامرضا و محمدی احمدآبادی، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مطابق با اصلاحات قانون در سال ۱۴۰۲، چاپ هفتم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۴۰۲، ص ۲۲۲-۲۱۸.
۳. هداوند، مهدی، حقوق اداری تطبیقی. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۴. واعظی، سیدمجتبی، مبانی حقوق اداری؛ فقرنظریه پردازی در ایران در اندیشه های حقوق اداری، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۳.

مقالات:

۵. آقای طوق، مسلم . (۱۴۰۱). انواع دعاوی اداری در ایران و فرانسه. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۲۳(۸۳)، ۱-۲۵.
۶. سالاری، امین اله، سراجی، مصطفی، و رنجبر، احمد. (۱۴۰۰). بررسی جایگاه حقوق دادرسی اداری در ایران. کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی. SID. <https://sid.ir/paper/901189/fa>.
۷. زاهد، سیف الرحمن، & یآوری، اسدالله. (۱۴۰۴). نقش دعاوی اداری در تحقق عدالت اداری (مطالعه تطبیقی انگلستان و آمریکا). پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، (۱)، -، doi: 10.22091/csiw.2025.12278.2632.
۸. محمودی جواد، واکاوی مرور زمان در دعاوی اداری در ایران. حقوق اداری، ۱۴۰۳، ۱۲ (۴۰): ۱۱۳-۱۳۳.
۹. موسوی زاده مرکیه، شهاب‌الدین، مرور زمان دعاوی علیه تصمیم‌ها و مصوبات دولتی، فصلنامه راهبرد حقوقی، ۱۳۹۷، سال اول، شماره ۲.
۱۰. نادری فرد، محمد، مجتهدی، محمدرضا و رنجبری، ابوالفضل، تأثیر اصل تقدم صلاحیت دادگاه‌های اداری در تحقق عدالت در فرانسه؛ بانگاهی به اجرای آن در نظام حقوق اداری ایران، پژوهش‌های حقوقی، ۱۴۰۰، ۲۰(۴۸)، ۱۸۵-۲۱۳.

Books:

1. Akhmad, M.Z, Implications of the Limits for Filing a Lawsuit to the State Administrative Court: Upholding Legal Certainty or Injuring Human Rights? *Indonesian State Law Review (IS-LRev)*:2023.
2. Čeko, A.Đ., & Kovač, P., COMPARATIVE ANALYSIS OF AN ADMINISTRATIVE APPEAL IN CROATIAN, SLOVENIAN, AND EU LAW . *EU 2020 – lessons from the past and solutions for the future*;2020.
3. Citrawan, H., Transitional (in)Justice as Duration, *Journal of Southeast Asian Human Right*,2022.
4. Dada, F.O., & Alemika, E.I., Meeting the Need for a Technologically Driven Justice Delivery System, *The Elixir of Rights and Judicial Expediency, Beijing Law Review*:2020.
5. Fang, L., The Realistic Dilemma of Citizen Rights Derogation and the Theoretical Response of Administrative Law From the Perspective of Public Health Emergency. *Proceedings of the 6th International Conference on Economics, Management, Law and Education*,2021.
6. Jadalhaq, I.M., Abdulhay, I.E., Alqodsi, E.M., & El Maknouzi, M.E. (2023). A systematic reviews and meta-analyses of interruption of the statute of limitations for civil claims: A comparative study of Arab legislations. *Heliyo*:2023.
7. Jurkowska-Gomułka, A., Antitrust Damage Claims, *A View From Efta Court*,2020.
8. Kozlova, V., Halushko, L., & Rudenko, D, Limitation of claims for creditors: causes and general rules of calculation. *Economics, Finances, Law*,2023.
9. Kuliushin, E.N, Adoption of a judgement and exercising control of its performance by a court in administrative proceedings. *SHS Web of Conferences*,2021.
10. Lazarev, S.V, Procedural and legal issues of the application of the limitation period, *SHS Web of Conference*, 2022.

11. Rossel, L., Unger, B., & Ferwerda, J, Shedding light inside the black box of implementation: Tax crimes as a predicate crime for money laundering, *Regulation & Governance*,2021.
12. Štefko, M, Employers' Constitutional Protection against Retroactive Measures Aimed to Prolong Their Administrative Liability by Increasing Time Limitation. *Societas et iurisprudentia*,2020.
13. Torbica, M.A, "Silence of the administration" in the administration procedure that is being instituted before the real estate registry and cable duct cadaster. *Pravo – teorija i praksa*,2021..
14. Winter, P., & Dietrich, F, Combating Illicit Trade in Cultural Objects in the Staatliche Museen zu Berlin (State Museums in Berlin): Policies in Acquisitions and Loans and Research of Provenance, *Santander Art and Culture Law Review*,2023.
15. Yagelnitskiy, A., Period of Limitations for Moral Damage, *Zakon*, 2025.
16. Yuriichuk, I., Administrative Appeal as an Out-Of-Court Procedure for the Protection of the Rights of Individuals and Legal Entities. *European Journal of Law and Public Administration*,2010.
17. Zakalenko, O.V., & Bolshakova, O., The interconnection between the procedural form and the lawsuit in administrative proceedings: theoretical and methodological aspect. *Economics. Finances. Law*,2023.
18. Zúñiga, J.A., & Cueva, P.C., Statutes of Limitation and Fairness in The Collection of Private Pension Contributions in South America: A Discussion for Reflection, *Revista de Gestão Social e Ambiental*.2024.
19. Shams, Abdullah, *Civil Procedure Code, Volume 1, Second Edition*, Tehran: Drak Publications,2002.
20. Molabigi, Gholamreza and Mohammadi Ahmadabadi, *Jurisdiction and Procedure of the Administrative Justice Court in Accordance with the Law Amendments in 1402, Seventh Edition*, Tehran: Jangal Publications, 2023, pp. 218-222.

21. Hadavand, Mehdi, *Comparative Administrative Law*. Volume 2. Second Edition. Tehran: Samat Publications, 2011.
22. . Vaezi, Seyed Mojtabi, *Fundamentals of Administrative Law; The Poverty of Theorizing in Iran in Administrative Law Thoughts*, Tehran: Majd Publishing, 2014.

Articles:

19. Acevedo, J.P, *The Close Relationship Between Serious Human Rights Violations and Crimes Against Humanity: International Criminalization of Serious Abuses*. *Anuario Mexicano de Derecho Internacional*, 17, 2017: 145-186.
20. Buletsa, S., & Zakrzewski, P, *Limitation of Claims in Polish and Ukrainian Civil Code Against the Background of the Principles of European Contract Law and the German Civil Code*. *Journal of Legal Studies*, 24, 2019: 63 - 94.
21. Carelli, D., & Peters, B.G, *Autonomy by Decree: How Administrative Law Shapes Bureaucratic Autonomy in Four Administrative Traditions*. *Administration & Society*, 56, 2024: 683 - 703.
22. Davies, P.S., *SECTION 36 OF THE LIMITATION ACT 1980*. *The Cambridge Law Journal*, 82, 2023: 402 - 413.
23. Knapp, M., & Costa Cunha, D. , *Antitrust Fines and Limitation Periods After the Implementation of Directive (EU) 2019/1 Throughout Member States: Focus on French and Polish Perspectives*. *IIC - International Review of Intellectual Property and Competition Law*, 54, 2023: 891 - 915.
24. Lee, J, *Articulating the Church's story as legal defendant in abuse claims: Can the Magisterium help?* *Church, Communication and Culture*, 7, 2022: 340 - 369.
25. Mokhtar, F.S., Ariff, A.M., Manap, N.A., & Mustaffa, N.M., *A solution towards a viable compensation mechanism for injury from COVID-19 vaccines in Malaysia: A qualitative study*. *Heliyon*, 10, 2024.
26. Santoso, W.Y, *Bridging the Implementation of Nagoya-Kualalumpur Supplementary Protocol on Liability and Redress in Indonesia*. *Indonesia Law Review*, 6, 2026: 58-78.

27. Tsampi, A., The new doctrine on misuse of power under Article 18 ECHR: Is it about the system of contre-pouvoirs within the State after all? *Netherlands Quarterly of Human Rights*, 38, 2020:134 – 155.
28. Vedaschi, A., & Graziani, C., New Dynamics of the “Post-COVID-19 Era”, *A Legal Conundrum*. *German Law Journal*, 24,2023: 1612 – 1647.
29. Mahmoudi Javad, Analysis of the passage of time in administrative lawsuits in Iran. *Administrative Law*, 2024,12 (40): 113-133
30. Mousavizadeh Merkieh, Shahabuddin, The passage of time in lawsuits against government decisions and approvals, *Legal Strategy Quarterly*, 2018, Year 1, Issue 2.
31. Naderifard, Mohammad, Mojtahedi, Mohammad Reza and Ranjbari, Abolfazl, The effect of the principle of primacy of jurisdiction of administrative courts in achieving justice in France; A look at its implementation in the Iranian administrative law system, *Legal Research*, 2021, 20(48), 185-213.

A comparative study of time limits in civil and administrative lawsuits and its effect on weakening the rights of individuals in the administrative systems of Iran and France

Fatemeh Bazoukar¹, Amir Nezam Barati²

Abstract:

The time limitation and its impact on weakening individual rights in administrative litigation have fundamental differences from private and criminal law. The lack of explicit law for statute of limitations in administrative litigation and the generalization of private and criminal law interpretations in Iran create a conflict with Article 34 of the Constitution (right to litigation). The present study employs a comparative-analytical approach, reviewing laws, judicial procedures, and legal doctrine in Iran and France, raising the following fundamental question: How can statute of limitations in administrative litigation balance legal stability and basic individual rights? It must be noted that procedural complexities and a lack of awareness among citizens regarding legal deadlines have rendered access to a fair trial difficult. The administrative judicial system of France has sought to balance legal stability and protection of individual rights by maintaining a hierarchical structure, consisting of administrative courts and the Council of State, and limited deadlines of two months for objection. Acceptance of valid excuses in France mitigates these limitations. The main difference between civil and administrative litigation lies in their objectives. The former focuses on the stability of private relationships, while the latter concentrates on protecting individual rights against public power. In contrast, the lack of consistent judicial procedure and formal complexities in Iran weaken the right to litigation. Explicit legislations, public education about legal deadlines, acceptance of valid excuses, and strengthening judicial oversight in the Administrative Justice Tribunal, inspired by France, can improve justice and access to litigation, and guarantee a balance between administrative system efficiency and citizen rights. The French administrative justice system employs transparent procedures, specialized courts, and extraordinary institutions like *référé-liberté*, and strives to maintain a balance between individual rights and public authority as well.

KeyWords: Administrative Litigation, Civil litigation, Individual Rights, Time Limitation, Weakening Effect

1. PhD student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, Bazoukar.f@ut.ac.ir

2. Assistant of Department of Law, Faculty of Maritime Commissioner, Imam Khomeini University of Marine Sciences, Mazandaran, Iran, nezambarati@gmail.com